

## مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

علی اسلامی (مدبر)

### چکیده

علامه جوادی آملی درباره علوم موجود در قرآن و مرجعیت علمی قرآن بر این باور است که ۱. مجموع قرآن، اعم از ظاهر و باطن آن، دربردارنده همه علوم حقیقی است، و مراد از علوم حقیقی، علوم بیانگر حقایق جهان هستی از ازل تا ابد است؛ نه آنچه به ظاهر از گزاره‌های علمی و در واقع مصداق «جهل» است. ۲. مخاطبان اولی و اصلی وحی، یعنی حضرات معصومان علیهم السلام به اذن خدای سبحان به همه ظواهر و بواطن قرآن، یعنی به همه دانش‌های حقیقی، و در نتیجه به همه حقایق عالم هستی آگاه‌اند. ۳. خصوص ظاهر قرآن فقط دربردارنده همه آموزه‌های لازم و ضروری برای هدایت انسان تا دامنه قیامت است و در این زمینه هیچ کمبودی ندارد. ۴. آموزه‌های هدایتی قرآن نیز در حد خطوط کلی‌اند و تبیین جزئیات و تفصیلات آن‌ها برعهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت معصوم آن حضرت علیهم السلام نهاده شده‌است. ۵. گرچه سمت و سوی اصلی معارف و آموزه‌های ظاهر قرآن کریم هدایت انسان به فوز و فلاح و سعادت انسان است، از آنجا که بیشتر علوم رایج روز، اعم از علوم حوزوی و دانشگاهی در سعادت و سیادت انسان نقش دارند، قرآن کریم اشاراتی به برخی گزاره‌های علمی این علوم نیز دارد. ۶. تفصیل جزئیات این علوم و کشف تفصیلی حقایق جهان هستی بر عهده عقل و تجربه بشری نهاده شده‌است. ۷. رسالت قرآن کریم در معرفت، شامل همه ارکان آن است: مبدأشناسی، معادشناسی، وحی و رسالت‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، و آشنایی با چگونگی پیدایش و پرورش بسیاری از موجودات ذی روح و بی روح و تحلیل مسائل شناخت‌شناسی و تعیین جایگاه هر یک از ظن و یقین و شهود.

به نظر نگارنده، مبحث «مرجعیت علمی قرآن» با نظریه علامه جوادی درباره «اسلامی بودن علوم» و «علم دینی» پیوند وثیقی ندارد. تنها ربط میان این دو مبحث این است که علم دینی با تعریف یادشده، منابع گوناگون عقلی و نقلی دارد و یکی از منابع نقلی آن می‌تواند قرآن کریم باشد. این نکته اصلاً ثابت نمی‌کند کدام یک از گزاره‌های علمی از ظاهر قرآن برمی‌آیند و کدام یک استفاده نمی‌شوند. البته همه گزاره‌های علمی حقیقی از باطن قرآن برمی‌آیند که کشف تفصیلی آن‌ها تنها در توان معصومان علیهم السلام است.

## درآمد

اصل کلی «مرجعیت علمی قرآن کریم» و ضرورت رجوع به قرآن در زندگی فردی و اجتماعی انسان، صرف نظر از گستره و قلمرو آن، از اصول مسلم اسلام است که هم آیاتی از قرآن کریم، هم سخنان و آموزه‌های روشن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت پاک آن حضرت علیهم السلام بر آن دلالت دارند؛ برای نمونه، آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ إِقْوَمٌ»<sup>۱</sup> بیانگر آن است که قرآن کریم به آیینی که از همه آیین‌ها استوارتر و جامع‌تر است هدایت می‌کند. لازم چنین هدایتی این است که قرآن کریم هم در حکمت عملی و هم در حکمت نظری مرجع و میزان و راهنما باشد؛ همچنین آیه «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»<sup>۲</sup> که نشان می‌دهد هر ملتی به مجموعه قوانین الهی وفادار باشند و نماز را برپا دارند، صالح و مصلح‌اند<sup>۳</sup>، در بردارنده تعبیر «تمسک به کتاب» است که با اطلاق خود، هم «تمسک عملی» هم «تمسک نظری» را دربرمی‌گیرد.

آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»<sup>۴</sup> نیز بر همین مدعا دلالت دارد، زیرا مصداق «برهان» و «نور» قرآن مجید است<sup>۵</sup> و ویژگی نور این است که هم خود روشن و هم روشنگر غیر خود است.<sup>۶</sup> نور بودن قرآن کریم نیز هر دو ساحت عمل و علم را دربرمی‌گیرد؛ یعنی هم مرجع انسان در عرصه عمل و هم راهنمای او در ساحت علم است و هر دو ساحت را روشن می‌کند.

آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ»<sup>۷</sup> نیز نشان می‌دهد که گرچه اصل اختلاف نظر، زمینه خوبی برای تکامل علوم است، اندیشه‌ها و آرای گوناگون باید بر میزانی الهی عرضه و با آن سنجیده شوند تا حق از باطل و صدق از کذب متمایز و جدا شود و خدای سبحان کتاب آسمانی را برای پایان دادن به اختلاف‌های فکری بشر نازل کرده است.<sup>۸</sup> برداشت‌های علمی می‌توانند زمینه اختلاف را

۱. اسراء: ۹.

۲. اعراف: ۱۷۰. ای آیه که در سیاق داستان بنی اسرائیل یاد شده، قرینه‌ای است که «الکتاب» همان تورات است؛ ولی در حقیقت، بیانگر اصل جامعی است که به هیچ دین و کتابی اختصاص ندارد و جامع میان همه صحیفه‌های آسمانی است.

۳. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۳۰، ص ۶۰۲. نیز ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ حکمت عبادات؛ ص ۳۰۸-۳۰۹.

۴. نساء: ۱۷۴.

۵. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲۱، ص ۴۵۳.

۶. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۴، ص ۳۴۰.

۷. بقره: ۱۷۶.

۸. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۹، ص ۷۱.

فراهم کنند؛ لیکن در پرتو رجوع به محکمت کتاب و سنت، این اختلافات رخت بر می بندد: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ».<sup>۹</sup>

آیه «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا».<sup>۱۰</sup> نیز که قرآن را با وصف «فرقان: جداکننده حق از باطل» ستوده، ضرورت مرجعیت علمی و عملی قرآن را نشان می دهد. فرقان بودن قرآن به عرصه عمل اختصاص ندارد و هر دو ساحت عمل و علم را دربرمی گیرد.

مفاد آیاتی نیز که فرو فرستادن «میزان» از سوی خدا را یاد کرده اند، مانند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ...»<sup>۱۱</sup> و «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ...»<sup>۱۲</sup> ضرورت رجوع به قرآن در امور علمی و عملی را می رسانند. علامه طباطبایی مراد از «میزان» را در این دو آیه دین شریعت الهی یعنی اصول و فروع آیین الهی می داند<sup>۱۳</sup> که بر اساس آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ إِقْوَمٌ»<sup>۱۴</sup>، قرآن کریم هادی و راهنما به چنین دینی است؛ علامه جوادی نیز، کلمه «میزان» در هر دو آیه را اشاره به قرآن کریم می داند.<sup>۱۵</sup> میزان بودن قرآن نیز به عرصه عمل اختصاص ندارد و هر دو عرصه عمل و علم را دربرمی گیرد.

روایات پرشماری نیز به ضرورت رجوع به قرآن در امور علمی و عملی تصریح یا اشاره دارند که برای نمونه می توان به روایات «عرض اخبار بر قرآن» اشاره کرد. برپایه روایات فراوان، در تشخیص حقانیت هر اندیشه و مکتبی، حتی برای تأیید یا تکذیب سخنان منسوب به پیشوایان معصوم علیهم السلام، باید آن ها را بر قرآن عرضه کرد و با میزان قرآن سنجید. در روایاتی از معصومان علیهم السلام نقل شده که راه دستیابی به ملاک ترجیح در روایات متعارض، عرض آن ها بر قرآن است<sup>۱۶</sup>؛ همچنین در دسته ای دیگر از روایات، صحت هر حدیثی، اعم از معارض دار و بی معارض در گرو موافقت (عدم مخالفت) با قرآن معرفی شده است.<sup>۱۷</sup> اعتبار این احادیث که

۹. نساء: ۵۹. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۱۰، ص ۲۸۸-۲۸۹.

۱۰. فرقان: ۱.

۱۱. حدید: ۲۵.

۱۲. شوری: ۱۷.

۱۳. رک: سیدمحمدحسین طباطبایی؛ میزان؛ ج ۱۸، ص ۳۸. ج ۱۹، ص ۳۷۱.

۱۴. اسراء: ۹.

۱۵. عبدالله جوادی آملی؛ سروش هدایت؛ ج ۲، ص ۲۸۲.

۱۶. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۶۸-۶۹.

۱۷. محمد بن یعقوب کلینی؛ پیشین، ج ۱، ص ۶۹.

دست کم مضمون مشترک آن‌ها متواتر است، در منابع شیعی مسلم است<sup>۱۸</sup> و بر مرجعیت قرآن نسبت به سنجش احادیث تصریح دارند. برای نمونه، به برخی روایات اشاره می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند موافق با کتاب خدا را بگیری و مخالف آن را رها کنی: «مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ».<sup>۱۹</sup>

امام باقر علیه‌السلام نیز فرمودند اگر حدیثی از ما به شما رسید و یک شاهد (تصدیق کننده) یا دو شاهد از کتاب خدا بر [صحت] آن یافتید، آن را بپذیرید و گرنه توقف کنید. سپس آن را به ما بازگردانید تا برای شما روشن بیان شود: «إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَإِلَّا فَفَقُّوا عِنْدَهُ ثُمَّ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ».<sup>۲۰</sup> براساس احادیث عرض، اعتبار همه احادیث به این است که مابین با هیچ آیه از آیات قرآن کریم نباشد.<sup>۲۱</sup>

حدیث متواتر و متفق علیه ثقلین نیز به روشنی ضرورت مرجعیت قرآن را می‌رساند و به صراحت انسان‌ها را به تمسک به قرآن، همانند اعتصام به عترت علیهم‌السلام فرا می‌خواند و قرآن کریم و عترت طاهرین علیهم‌السلام را مرجع مسلمانان معرفی می‌کند.<sup>۲۲</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث، فرمودند: میراث رسالت من دو وزنه وزین‌اند: یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا کنار حوض [کوثر] با هم بر من وارد شوند و شما نیز اگر به این دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِيدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ».<sup>۲۳</sup>

روایات بیانگر لزوم عرضه کردن شروط داد و ستدها بر قرآن نیز بر مرجعیت قرآن دلالت روشنی دارند؛ امام صادق علیه‌السلام فرمودند هر کس شرطی مخالف کتاب خدا کند، نه حقی برای شرط کننده می‌آورد، نه تکلیفی بر شرط‌پذیر. مسلمانان باید به شرط‌های هماهنگ با کتاب خدای بزرگ عمل کنند: «من اشترط شرطاً مخالفاً لكتاب الله عزوجل فلا يجوز له ولا يجوز على الذي اشترط عليه والمسلمون عند شروطهم فيما وافق كتاب الله

۱۸. سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۳، ص ۸۵

۱۹. محمد بن یعقوب کلینی؛ پیشین، ج ۱، ص ۶۹

۲۰. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۲۲۲

۲۱. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۴۶۶

۲۲. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲، ص ۹۷

۲۳. محمد بن حسن صفار؛ بصائر الدرجات ج ۱، ص ۴۱۳. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۰

عزوجل»<sup>۲۴</sup>؛ همچنین آن حضرت می‌فرماید: «کل شرط خالف الكتاب فهو باطل».<sup>۲۵</sup>

از این گونه روایات برمی‌آید که قرآن به صورت یک اصل و مرجع باید در جوامع انسانی حاکم باشد. اگر قرآن تنها برای تلاوت بود یا فهم آن برای انسان میسر نبود، هرگز خود معصومان علیهم‌السلام این گونه به آن ارجاع نمی‌دادند.<sup>۲۶</sup>

در این مقاله تنها مرجعیت علمی (نه مرجعیت عملی) بررسی می‌شود. با توجه به وجود دیدگاه‌های گوناگون درباره حدود و گستره مرجعیت علمی قرآن، پرسش اساسی این است که از منظر قرآن شناس و مفسر نامدار معاصر، علامه جوادی آملی قلمرو و گستره مرجعیت قرآن تا کجاست؟ این مقاله، طی چند فصل، عهده‌دار پاسخگویی به این پرسش اساسی است.

### **فصل یکم. اشتغال مجموع قرآن بر همه علوم بیانگر حقایق عوالم هستی**

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، درباره حدود و گستره مرجعیت علمی قرآن دیدگاه‌ها متفاوت‌اند و رسالت این مقاله، بررسی آن از منظر علامه جوادی آملی است. نخستین گزارش خلاصه از دیدگاه ایشان این است که مجموع قرآن، اعم از «ظاهر» و «باطن» آن، دربردارنده همه علوم حقیقی، یعنی علوم بیانگر حقایق جهان هستی از ازل تا ابد و در نتیجه قرآن کریم «جام هستی‌نما» است. مراد از «ظاهر» لایه‌ای از معانی و معارف قرآن است که مفسران روشم‌دار با بهره‌گیری از منابع تأیید شده تفسیر قرآن کریم و رعایت منهج بایسته تفسیر و همچنین با به کار بستن قواعد دانش تفسیر، می‌توانند از قرآن برداشت کنند، و مراد از «باطن» لایه‌هایی از معانی و معارف قرآنی است که از راه یادشده به دست نمی‌آیند و دستیابی به آن‌ها در توان معصومان علیهم‌السلام است.

مراد از «علوم حقیقی» نیز علوم مطابق واقع است. ممکن است گزاره‌های فراوانی به ظاهر «علم» نامیده شوند؛ ولی از آنجا که مطابق واقع نیستند، مصداق «جهل» اند، نه مصداق علم. این گونه گزاره‌ها از بحث خارج‌اند. ادله این مدعا از منظر علامه جوادی به اجمال عبارت‌اند از:

۱. **آیه ۸۹ سوره نحل:** این آیه، مهم‌ترین حکمت‌های نزول قرآن کریم را چهار چیز می‌داند (تبیان و روشنگر هر چیز بودن؛ هدایت عمومی مردم به راه راست؛ رحمت بودن برای جهانیان؛ بشارت دادن و اندازار<sup>۲۷</sup>) و از مهم‌ترین سند‌های مرجعیت علمی قرآن است. در بخش پایانی آیه آمده است: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکلِّ

۲۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۱۶۹.

۲۵. محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۷، ص ۶۷.

۲۶. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم، ج ۱، ص ۹۱.

۲۷. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۰-۲۱۱.

شَيْءٌ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ». علامه جوادی در تفسیر این آیه، ابتدا این اصل کلی را بیان می‌کند که بر پایه آیاتی همچون «أَنَا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَ أَنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِينَا لَعَلِّي حَكِيمٌ»<sup>۲۸</sup> و «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۲۹</sup> قرآن حبلی آویخته از سوی خدا به سوی انسان‌ها و حقیقتی تشکیل یافته از «عربی مبین» و «علی حکیم» است و همگان مأمورند به این ریسمان مستحکم اعتصام کنند، تا از عربی مبین [که دامنه قرآن و در دسترس مردم است] گذشته و به اندازه ظرفیت خود به عمق و بطن قرآن کریم که همان «علی حکیم»<sup>۳۰</sup> است راه یابند.<sup>۳۱</sup>

علامه جوادی آملی در پاسخ به این پرسش اساسی که آیا از آیاتی مانند آیه ۸۹ سوره نحل استفاده می‌شود که قرآن مشتمل بر همه حقایق جهان هستی و از جمله علوم انسانی و علوم تجربی است یا نه، میان ظاهر و باطن قرآن تفاوت نهاده و بر این باور است که بر اساس آیه کریمه «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۳۲</sup> قرآن کریم از لحاظ علمی با همه سطوح و لایه‌های معنایی خود، اعم از ظاهر و باطن، دربردارنده هر چیزی است که در جهان تکوین و عالم خارج [مراد، خارج از ذهن است] وجود دارد، زیرا این کتاب عظیم الهی از مبدأ اعلا تنزل یافته و در آن مقام، همه حقایق وجود جمعی دارند: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»<sup>۳۳</sup> و قرآن همان گونه که ظاهر اُنّیق دارد، باطن عمیق دارد.<sup>۳۴</sup>

ایشان همچنین «بیان» و «تبیان» (از نام‌های قرآن) را چنین توضیح می‌دهد که قرآن همه چیز را روشن می‌کند و نه تنها بیانگر عقاید، اخلاق، احکام و حقوق فردی و جمعی است، مبین علوم نیز هست. البته [ظاهر] قرآن کریم کتاب متنی و در حکم قانون اساسی است و از این رو بسیاری از مطالب را کوتاه و با اشاره ذکر می‌کند که آن مطالب متنی با عقل خداداد و نقل اهل بیت نبوت علیهم السلام تفسیر و تبیین می‌شوند.<sup>۳۵</sup>

---

۲۸. زخرف: ۳-۴.

۲۹. آل عمران: ۱۰۳.

۳۰. ر.ک: زخرف: ۴.

۳۱. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۳۲. نحل: ۸۹.

۳۳. حجر: ۲۱.

۳۴. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱ ص ۲۶-۲۷.

۳۵. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۰.

مفسر در جای دیگر به این نکته تصریح می‌کند که قرآن کریم، کتاب همیشگی و همگانی است که ظاهر و باطنی عمیق و تمام ناشدنی دارد: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا»<sup>۳۶</sup> و حقیقت قرآن کریم روشن کننده همه معارف و علوم است: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۳۷</sup>.

علامه جوادی برای اثبات دلالت آیه یاد شده بر تبیان بودن قرآن برای همه حقایق هستی، بر دو نکته تکیه می‌کند: نخست آنکه واژه «تبیان» به دلالت‌های لفظی اختصاص ندارد و اعم از دلالت لفظی و غیر لفظی است. مراد ایشان از «دلالت غیر لفظی»، دلالت از راه باطن قرآن کریم است. دیگر آنکه روایات اهل بیت علیهم‌السلام دلالت روشنی بر این مدعا دارند. ایشان می‌گویند «برخی از روایات نیز همین اشتغال قرآن بر همه علوم جهان هستی را تأیید می‌کنند»<sup>۳۸</sup>؛ همچنین می‌گویند: «خادم قرآن و عترت که با زبان قرآن آشناست، با شرایط و مقدماتی، می‌تواند همه معارف، حتی معارف غیبی را از قرآن کریم استنتاج کند، چنان‌که امام صادق علیه‌السلام گاهی که از سعه دانش حضرات معصومان علیهم‌السلام به آنچه در آسمان‌ها و زمین و بهشت و دوزخ و میان آنهاست سخن می‌گفت، برای رفع تعجب مخاطبان، با استشهاد به آیه مورد بحث می‌فرمود این دانش‌ها در قرآن کریم و از قرآن کریم‌اند: «إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ... إِنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ تِبْيَانٌ لِّكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۳۹</sup>. علامه ویژگی تبیان بودن قرآن را نیز چنین بیان می‌کند که تفصیل و تبیان، درجات ابتدایی، میانی و نهایی دارند و تعبیر «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» درباره قرآن، ناظر به درجات نهایی تبیان و روشننگری است؛ یعنی قرآن کریم افزون بر تبیان سطحی و ظاهری، تبیان عمیق و باطنی نیز دارد، چون قرآن ظاهری دارد و باطنی، و باطن آن نیز باطنی تا هفت [یا هفتاد] بطن.<sup>۴۰</sup> مراد مفسر از «باطن»، لایه‌هایی از معانی قرآن است که در دسترس انسان‌های عادی نیستند و دستیابی به آنها در توان اهل عصمت علیهم‌السلام است.<sup>۴۱</sup>

۲. آیه ۳۸ سوره انعام: علامه جوادی در تفسیر آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»<sup>۴۲</sup> دو احتمال را در باره مراد از «الْكِتَابِ» در این آیه یاد می‌کند: نخست آنکه مراد از آن، «أَمَّ الْكِتَابِ» یا همان «لوح محفوظ» است که حقایق اشیاء و اسرار و رموز آنها در آنجا ثبت است؛ دیگر آنکه مراد از آن، قرآن کریم است؛ بدین معنا که معاف

۳۶. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۵۴۹.

۳۷. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۳.

۳۸. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۷.

۳۹. ر.ک: محمد بن مسعود عیاشی؛ تفسیر العیاشی؛ ج ۲، ص ۲۶۶. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم، ج ۴۷، ص ۲۱۴-۲۱۳.

۴۰. «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَبَطْنَهُ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطَانٍ» (محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور؛ عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۷).

۴۱. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم، ج ۴۷، ص ۲۱۴-۲۱۶..

۴۲. انعام: ۳۸.

مربوط به آفرینش همه اشیا در قرآن کریم جمع اند. سپس به این پرسش می پردازد که اگر مراد، قرآن باشد، مراد از «الکتاب» ظاهر قرآن است یا باطن آن؟ و به آن چنین پاسخ می دهد که اگر احتمال دوم [: باطن قرآن] درست باشد، کسی حق تکذیب آن را ندارد، زیرا باطن قرآن در دسترس انسان های عادی نیست، بلکه زمینه تأیید هم دارد، چون قرآن، ریسمان خداست که یک سوی آن در دست مردم و سوی دیگرش در دست ذات اقدس الهی است و بر پایه «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ»<sup>۴۳</sup> از محدوده عربی مبین که در اختیار ماست تا ام الکتاب که در نزد خدا «علی حکیم» است، همه اش قرآن است. مفسران با این عربی مبین سروکار دارند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گذشته از دریافت عربی مبین، محدوده علی حکیم را «من عند الله» (از نزد خدا) تلقی می کند (و به آن علم لدنی دارد).<sup>۴۴</sup>

مفسر احتمال نخست (ظاهر قرآن) را نادرست می داند، زیرا این احتمال مخالف خود قرآن است، چون قرآن می فرماید ما قصص بعضی از انبیا علیهم السلام را برای شما بیان نکردیم: «و رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ»<sup>۴۵</sup> که مسلماً نگفتن در قالب سخن و الفاظ مراد است، نه در باطن و سر.<sup>۴۶</sup>

علامه جوادی در جایی دیگر درباره واژه «الکتاب» در جمله «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» ابتدا دو احتمال (کتاب تکوینی یا کتاب تشریحی بودن) را یاد می کند و درباره هریک چنین داوری می کند که اگر کتاب تکوینی مراد باشد، حکمش روشن است، زیرا چیزی در کتاب تکوین (لوح محفوظ) فروگذار نشده است و اگر کتاب تشریحی مراد باشد، سه احتمال دارد: الف. باطن قرآن مراد است که همه رشته های علمی و حقیقی را از جهان طبیعت تا «لدى الله» داراست. ب. ظاهر و باطن قرآن مراد است. ج. ظاهر قرآن مراد است؛ یعنی همه حقایق ارزشی و دانشی در ظاهر قرآن هست؛ آن گاه احتمال سوم را مخالف خود قرآن می داند، زیرا خود قرآن می گوید ما همه حقایق ارزشی را بیان نکردیم؛ چه رسد به تمام مسائل ارزشی و دانشی.<sup>۴۷</sup>

۳. آیه ۵۹ سوره انعام: علامه جوادی در تفسیر آیه «و لا حبة فی ظلّمة الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین»<sup>۴۸</sup> نیز از یک سو به قرینه آیه «قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین»<sup>۴۹</sup> مراد از «کتاب مبین» را قرآن کریم می داند و از سوی دیگر با استناد به آیه مورد بحث که می فرماید هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتاب

۴۳. زخرف: ۳- ۴.

۴۴. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم، ج ۲۵، ص ۱۷۱-۱۷۳.

۴۵. نساء: ۱۶۴.

۴۶. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم، ج ۲۵، ص ۱۷۳.

۴۷. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲۵، ص ۱۷۳.

۴۸. انعام: ۵۹.

۴۹. مائده: ۱۵.



مبین موجود است، مقصود از «رطب و یابس» را به قرینه قبل و بعد آیه، علم به همه اشیاء می‌داند و به صراحت داوری می‌کند که «هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه در کتاب مبین و قرآن کریم آمده است».<sup>۵۰</sup> وی در باره مراد از «وجود هر رطب و یابسی در قرآن» و در پاسخ به این پرسش که آیا همه حقایق جهان و کیفیت رهیابی به همه علوم و معارف تجربی، ریاضی، کلامی، فلسفی، عرفانی و مانند آن در قرآن مبسوطاً بیان شده است، می‌گوید: «پاسخ آن منفی است، مگر به لحاظ باطن قرآن و مرحله والای آن که «ام‌الکتاب» باشد، زیرا همه حقایق در آنجا مطوی است و انسان کامل به آن راه دارد».<sup>۵۱</sup>

این مفسر، در جایی دیگر تصریح می‌کند که مراد از «کتاب مبین»، خصوص ظاهر قرآن کریم نیست، زیرا بی شک همه چیز، حتی همه مسائل هدایت انسان، در ظاهر قرآن نیست؛ به گونه‌ای که مفسر بتواند با اجتهادش آن‌ها را استنباط کند.<sup>۵۲</sup> شاهدش این است که تمام ملت‌های شرق و امت‌های غرب دارای رهبر الهی بودند که مبشر و منذر بودند: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»<sup>۵۳</sup>؛ لیکن داستان زندگی و سیر مبارزات و سخنان همه آن پیامبران در قرآن نیامده است: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ».<sup>۵۴</sup>

علامه جوادی افزون بر آنچه گذشت، شواهدی را درباره جامعیت قرآن نسبت به همه علوم حقیقی بیان می‌کند. این مفسر در برخی آثار خود تصریح می‌کند که مقام جمعی قرآن شامل همه حقایق جهان است و برای آن به تفصیل شواهدی حدیثی-فلسفی یا قرآنی-حدیثی بیان می‌کند که حوصله این مقاله گنجایش بازگویی تفصیلی آن شواهد را ندارد و تنها به نقل برخی تصریحات ایشان طی تبیین شواهد یادشده اشاره می‌کنیم:

۱. «تمام اسرار علمی عالم و تمام رموز عملی جهان در پیشگاه انسان کامل منقادند. ... سبب مسجود بودن انسان کامل و علت خضوع تکوینی همه فرشتگان علمی و عملی نسبت به وی، همانا جامعیت علم به اسماء و حقایق نظام امکانی اوست و آن حقایق علمی برای حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم به صورت قرآن ظهور کرده است».<sup>۵۵</sup>

۲. «بهترین مصداق برای «جوامع الکلم» [که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عطا شد: اعطیت جوامع الکلم]<sup>۵۶</sup>، همانا قرآن کریم می‌باشد که صحایف دیگر شرح اوست؛ بنابراین صاحب جوامع کلم، مسجود همه

۵۰. عبدالله جوادی آملی؛ هدایت در قرآن؛ ص ۱۹۳-۱۹۴.

۵۱. عبدالله جوادی آملی؛ هدایت در قرآن؛ ص ۱۹۴.

۵۲. در تفسیر آیه ۳۸ سوره انعام، ذیل عنوان «مراد از کتاب»، توضیح این مطلب گذشت که این سخن که «همه مسائل فقهی و اصولی، اخلاقی و سیاسی و... در ظاهر قرآن (یا ظاهر قرآن و سنت) جمع است» مخالف خود قرآن است (عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲۵؛ ص ۱۷۲-۱۷۳).

۵۳. فاطر: ۲۴.

۵۴. نساء: ۱۶۴. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲۵؛ ص ۳۷۲-۳۷۳.

۵۵. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۱۳.

۵۶. محمد بن علی ابن بابویه؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۴۱.

فرشتگان علمی و عملی جهان آفرینش است و بلندای این مقام همان سعه وجودی مقام قرآن است که در حضرت ختمی مرتبت ظهور کرده است؛ چون امّ الکتاب محیط بر همه اسرار علمی و عملی می‌باشد. بنابراین، فرض صحیح ندارد که چیزی در نظام آفرینش یافت شود و مقام جمعی قرآن که فیض بلاواسطه خداوند سبحان است، فاقد آن باشد، چنان که فرض صحیح ندارد چیزی در جهان امکان یافت شود و صادر اول و ظاهر بلافصل از آن آگاه نباشد و بحث کنونی درباره حقیقت قرآن است، نه انسان کامل؛ گرچه این دو متحدند و هرگز در هیچ مرحله از هم جدا نخواهند بود.<sup>۵۷</sup>

۳. «امامان معصوم علیهم السلام دارای جَفَر و جامعه بوده‌اند که نه تنها همه احکام الهی در آن آمده است، بلکه بسیاری از اسرار نهانی جهان هستی نیز در آن درج شده است...<sup>۵۸</sup> و در نصوص فراوانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنان را معادل قرآن قرار داده که هیچ کدام از دیگری جدا نمی‌شوند و نیز هیچ کدام بر دیگری رجحان ندارند، زیرا اگر یکی بر دیگری رجحان وجودی داشته باشد، در همان مرحله، راجح از مرجوح جدا و مرجوح از راجح، افتراق حاصل می‌کند؛ در حالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «...لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»<sup>۵۹</sup> و اگر علوم امامان معصوم علیهم السلام در قرآن نباشد و جفر و جامعه و مصحف فاطمه علیها السلام و... شروحو بر قرآن و تفصیلی از آن مقام جمعی قرآن نباشد، لازم می‌آید که یکی از دو ثقل بر دیگری فزونی یابد؛ در حالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... قد نبأنی اللطیف الخیر أنّهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض كأصبعی هاتین و جمیع بین سبأتیه و لأقول کھاتین و جمیع سبأتیه و الوسطی ففضل هذه علی هذه».<sup>۶۰</sup> آری، استنباط آن همه علوم از قرآن میسر دیگران نیست؛ نه اینکه قرآن در مقام جمعی خود اصلاً فاقد آن‌ها باشد.<sup>۶۱</sup>

۴. «چون در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین اهل بیت علیهم السلام همسانی قرآن و عترت مطرح است و امامان معصوم علیهم السلام نیز در هنگام تمدّح و تعریف خود به اُمّت اسلامی، همتایی خودشان را با قرآن کریم بازگو می‌کردند چنان که امام حسن مجتبی علیه السلام در آغاز امامت ظاهری خود چنین فرمود: «...أحد الثقلین الذین خلفهما رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فی اُمّته و التالی کتاب الله فیہ تفصیل کل

۵۷. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۵۸. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۱۵.

۵۹. محمد بن حسن صفار؛ بصائر الدرجات ج ۱ ص ۴۱۳.

۶۰. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۱ ص ۱۷۳.

۶۱. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۱۷.

شیء...»<sup>۶۲</sup> معلوم می‌شود قرآن کریم دارای همه علوم است که انسان کامل به آن رسیده و می‌رسد و آن احاطه وجودی بر همه اسرار نظام جهان امکان است؛ و گرنه لازم می‌آید انسان کامل از قرآن افتراق یابد.<sup>۶۳</sup>

۵. «نیل به باطن قرآن، یعنی وصول به مرحله‌ای که همه علوم مادی از آنجا نشأت می‌گیرد و... جز پاکان از تعلق به کثرت، احدی را به آن مقام منیع راه نیست.»<sup>۶۴</sup>

۶. «قرآن مشتمل بر همه حقایق امکان است و قرینه‌ای که موجب انصراف ظهور یا عدم انعقاد آن گردد، در بین نیست.»<sup>۶۵</sup>

۷. علامه جوادی سپس به روایاتی اشاره می‌کند که ممکن است توهم شود در مقابل ادله اقامه شده قرار دارند و بر حصر محتوای قرآن در خصوص احکام و عقاید و اخلاق و... دلالت دارند و این گروه از روایات احیاناً به عنوان شاهد بر اختصاص محتوای قرآن به مسائل دینی نقل می‌شوند. مانند نامه‌ای که حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام برای معاویه نوشت: «أرسل رسوله... بالهدی و دین الحق و أنزل علیه کتابه فیه تبیان کل شیء من شرائع دینه فبینة لقوم یعلمون»<sup>۶۶</sup> و بیان می‌کند که از روایات یادشده نمی‌توان اطلاق استفاده کرد؛ نه اینکه آن‌ها بر حصر محتوای قرآن در خصوص احکام و عقاید و اخلاق و... دلالت داشته باشند. وی می‌گوید: «مستفاد از این نصوص، بیش از این نیست که قرآن کریم همه مسائل دینی را دارد؛ نه آنکه غیر از مسائل دینی را در بر ندارد.»<sup>۶۷</sup>؛ همچنین استفاد از نامه حضرت علی علیه‌السلام به معاویه این نیست که منظور از «تبیان کل شیء» منحصرأ بیان شرایع و سنن است؛ بلکه چون محل بحث در آن مکاتبه، مسئله حکومت و اداره جامعه اسلامی بر اساس دین الهی بوده است، حضرت علی علیه‌السلام به همان مسئله بیان شرایع اکتفا نمود..... و هیچ تنافی بین این گفتار حضرت علیه‌السلام و بین گفتار دیگری که از حضرت علیه‌السلام رسیده که فرموده‌اند: «فیه علم ما مضی و علم ما یأتی الی یوم القیامه و حکم ما بینکم و بیان ما أصبحتم فیه تختلفون...»<sup>۶۸</sup> وجود ندارد تا به عنوان تقیید مطلق بین آنها جمع دلالی شود؛ زیرا عدم ظهور در اطلاق غیر از ظهور در عدم اطلاق است و آنچه با مطلق منافات دارد، ظهور در عدم اطلاق که همان مقید است، می‌باشد؛ گذشته از آنکه بر فرض ظهور گروهی از روایات در عدم اطلاق راه جمع دلالی تنها به این نیست که گروه اول تقیید گردد تا حاصل مجموع نصوص این باشد که قرآن فقط شامل احکام و سنن و نظائر آن است و از معارف تکوین و نظام کیان خارج تهی است، بلکه راه دیگر

۶۲. محمد بن محمد مفید؛ الامالی؛ ص ۳۴۹.

۶۳. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۱۸.

۶۹. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۶۵. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۶۶. ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی؛ الغارات؛ ج ۱، ص ۱۱۶.

۶۷. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۲۲.

۶۸. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۶۱.

جمع دلالی آن است که بر اختلاف مراتب حمل گردد؛ یعنی بعضی از مراحل عالیّه آن همانند «أمّ الکتاب و کتاب مکنون» و مانند آن، جامع همه حقایق می‌باشد؛ گرچه بعضی از مراحل نازل آن که در دسترس مردم است، واجد خصوص معارف دینی و احکام و اخلاق می‌باشد و برای نیل به هر مرحله، طهارت نفس که مناسب با آن مرحله باشد، لازم است».<sup>۶۹</sup>

## فصل دوم. آگاهی مخاطبان اولی وحی به ظاهر و باطن قرآن

در فصل یکم با استناد به برخی سخنان صریح علامه جوادی، دیدگاه ایشان درباره اشتمال مجموع ظاهر و باطن قرآن بر همه حقایق جهان هستی و همه علوم حقیقی روشن شد. در این فصل دیدگاه آن مفسر را درباره دارندگان این دانش گسترده قرآنی بیان می‌کنیم، گرچه این مطلب از برخی اشارات فصل پیشین نیز روشن شد.

۱. مفسر تسنیم باطن قرآن و روایات را از دسترس انسان‌های عادی خارج می‌داند. وی با استناد به آیه «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ»<sup>۷۰</sup> تصریح می‌کند که قرآن، ریسمان خداست که یک سوی آن در دست مردم و سوی دیگرش در دست خداست و از محدوده عربی مبین که در اختیار ماست تا امّ الکتاب که در نزد خدا «علیّ حکیم» است، همه‌اش قرآن است.<sup>۷۱</sup>

۲. مفسر تصریح می‌کند که نزول قرآن از قبیل تجلی است نه تجافی؛ یعنی نزولی است که پس از نزول هم، اوجش را داراست. بشر در خدمت عربی مبین است و رسول گرامی و اهل بیت علیهم‌السلام در خدمت همه قرآن، از عربی مبین تا امّ الکتاب، و آنچه از امّ الکتاب را برای مردم لازم بدانند در قالب احادیث قدسی یا روایات عادی بیان می‌دارند.<sup>۷۲</sup>

۳. علامه جوادی معتقد است که همه حقایق جهان و کیفیت رهیابی به همه علوم و معارف تجربی، ریاضی، کلامی، فلسفی، عرفانی و مانند آن در قرآن مبسوطاً بیان نشده است، مگر به لحاظ باطن قرآن و مرحله والای آن که «ام‌الکتاب» باشد، زیرا همه حقایق در آنجا مطوی است و انسان کامل به آن راه دارد.<sup>۷۳</sup>

۴. مفسر در جایی دیگر ضمن تصریح به اینکه قرآن کریم دارای همه علوم است که انسان کامل به آن رسیده و می‌رسد و آن احاطه وجودی بر همه اسرار نظام جهان امکان است، دلیل آن را چنین بیان می‌کند که در غیر

۶۹. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۷۰. زخرف: ۳-۴.

۷۱. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲۵؛ ص ۱۷۲.

۷۲. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷؛ ص ۲۱۲ و ۲۱۶.

۷۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ هدایت در قرآن؛ ص ۱۹۴.

این صورت، لازم می‌آید انسان کامل از قرآن افتراق یابد [درحالی که افتراق یادشده به صراحت در حدیث متواتر و متفقٌ علیه تَقْلین رد شده است].<sup>۷۴</sup>

### فصل سوم. اشمال ظاهر قرآن بر آموزه های ضروری برای هدایت انسان تا قیامت

در دو فصل پیشین به این نتیجه رسیدیم که از منظر علامه جوادی آملی، مجموع ظاهر و باطن قرآن دربردارنده همه حقایق جهان هستی و همه علوم و معارف حقیقی است و چنین دانش گسترده‌ای (علم ظاهر و باطن قرآن) تنها نزد معصومان علیهم السلام است که مخاطبان اولی و وحی قرآنی‌اند. اکنون در این فصل به تبیین این نکته می‌پردازیم که از نظر مفسر یاد شده، ظاهر قرآن، تنها آموزه های ضروری برای هدایت انسان تا برپایی قیامت را در بردارد و فراتر از آن را از ظاهر قرآن را نباید انتظار داشت.

۱. ایشان در تفسیر آیه ۸۹ سوره نحل، محور اساسی [ظاهر] قرآن، را همان تعلیم و تزکیه انسان در راه عقیده و اخلاق و اعمال شایسته می‌داند، تا از این رهگذر، سعادت خود را تحصیل کرده، به هدف نهایی که لقای خدای سبحان است، برسد؛ اما دانش‌های مادی و علوم و صنایع تجربی و حرفه‌های هنری و آداب و سنن اعتباری و مانند آن‌ها، از هدف اصیل قرآن [در لایه ظاهر آن] دورند و بر این اساس، آنچه بیش از هر چیز مورد عنایت این کتاب عظیم الهی [در سطح معارف ظاهر آن] است، تشریح اصل شناخت و تعلیل معیارهای اساسی آن و اعلام طرز تعقل و کیفیت استنتاج از مقدمات عقلی و پرهیز از تقلید جاهلی و نیز اجتناب از مغالطه در تفکر و مانند آن است که به عنوان شرط درست اندیشیدن یا مانع آن خواهند بود.<sup>۷۵</sup> پس آیه «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لكل شیء»<sup>۷۶</sup> [با توجه به سطح ظاهر قرآن و نه مجموع ظاهر و باطن آن] بدین معناست که هر چیزی که در تأمین سعادت انسان سهم مؤثر دارد، در این کتاب الهی بیان شده است و اگر انجام کاری عامل فراهم کردن سعادت بشر است، در آن آمده و اگر ارتکاب عملی مایه شقاوت بشری می‌گردد، پرهیز از آن به صورت یک دستور لازم در آن تعبیه شده است.<sup>۷۷</sup>

۲. علامه جوادی با استفاده از واژه «تبیان» در آیه ۸۹ سوره نحل که به معنای «روشنگر» است، بیان می‌دارد که اولاً اشمال [ظاهر] قرآن بر همه معارف و اخلاق و اعمال الهی و انسانی به گونه رمز یا ابهام یا معماً و مانند آن‌ها نیست، بلکه به طور روشن است، زیرا این گونه سخن گفتن از قانون محاوره و اسلوب تعلیم و تربیت جداست.<sup>۷۸</sup> ثانیاً خدای سبحان از جامعیت قرآن نسبت به همه اصول اسلامی به «تبیان» یاد کرده است. پس هیچ گونه کمبودی

۷۴. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۱۸.

۷۵. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۲۷.

۷۶. نحل: ۸۹.

۷۷. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۱۴.

۷۸. عبدالله جوادی آملی؛ هدایت در قرآن؛ ص ۱۹۰.

در این کتاب نیست تا از خارج جبران شود؛ نه کمبود قانون و دستورهای انسانی و نه کمبود شناخت و معارف اسلامی و نه قصور در تبیین آن‌ها.<sup>۷۹</sup> ثالثاً تبیین بودن قرآن محدود به زمان خاصی نیست، چون قلمرو رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که قرآن کتاب آسمانی اوست - تا قیامت ادامه دارد و بر این اساس، آنچه را بشر تا قیامت به آن نیاز دارد، در قرآن کریم هست. ۸۰

۳. علامه جوادی بر پایه روایات معصومان علیهم السلام درباره جامعیت و کمال دین<sup>۸۱</sup> می‌نویسد: «بیان هر چیزی در قرآن به این معناست که این کتاب آسمانی، اصول کلی نیازهای مادی و معنوی و نیز چارچوب اصلی برای تأمین آن‌ها را با بهره‌گیری از قوه تعقل ارائه کرده است».<sup>۸۲</sup>

۴. مفسر تسنیم ناظر به ظاهر قرآن، آن را تبیان (بیانگر) همه معارف ضروری و سودمند برای بشر، و عهده‌دار بیان همه معارف و احکام هدایتگر، سعادت‌بخش و سیادت‌آفرین جوامع انسانی می‌داند.<sup>۸۳</sup>

۵. وی در تصریحی دیگر درباره رسالت ظاهر قرآن می‌گوید: «هیچ خشک و تری که راجع به تأمین سعادت بشر باشد نیست، جز اینکه در قرآن گرد آمده است و او بیانگر و تبیان هر چیز است».<sup>۸۴</sup>

## فصل چهارم. رسالت تبیین جزئیات آموزه‌های هدایتی قرآن

از منظر علامه جوادی، قرآن کریم خطوط کلی هدایت انسان را در بخش‌های گوناگون اعتقاد، اخلاق و فقه و حقوق بیان کرده و تبیین و تفصیل جزئیات آن‌ها را به پیامبر اکرم و اهل بیت معصوم آن حضرت علیهم السلام واگذار کرده است. برخی تصریحات ایشان در این باره چنین‌اند:

۱. «در علوم الهی قرآن کریم کلیات جامع و اصول فراگیر دینی را فرموده و جزئیات آن را، بر اساس دستور خدای سبحان، باید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گرفت که فرمود: «وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهأکم عنه فانهوا»<sup>۸۵</sup> یعنی آنچه را که رسول گرامی برای شما می‌آورد بگیرید و از آنچه شما را از آن برحذر می‌دارد پرهیز کنید. در جای دیگر می‌فرماید: «وأنزلنا إلیک الذکر لتبیین للناس ما نزل إلیهم».<sup>۸۶</sup> در کریمه دیگری می‌فرماید: «لقد منّ الله علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولاً من أنفسهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم وعلّمهم الکتاب

۷۹. عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

۸۰. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۴.

۸۱. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۵۹-۶۰.

۸۲. عبدالله جوادی آملی؛ جامعه در قرآن؛ ص ۱۰۹.

۸۳. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۱، ص ۳۵. عبدالله جوادی آملی؛ دین‌شناسی؛ ص ۸۲.

۸۴. عبدالله جوادی آملی؛ وحی و نبوت در قرآن؛ ص ۳۴۲.

۸۵. حشر: ۷.

۸۶. نحل: ۴۴.

والحكمة»<sup>۸۷</sup> خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولی را از خود آنان در میانشان برانگیخت که بر آن‌ها آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنان را ترکیه سازد و به آن‌ها احکام کتاب و شریعت و حقایق را بیاموزد».<sup>۸۸</sup>

۲. «قرآن کریم که بیانگر خطوط کلی معارف دین است، در تبیین خطوط اصلی معارف دین کاملاً روشن است...؛ اما تبیین جزئیات، خصوصیات و حدود آن خطوط کلی، با رهنمود خود قرآن کریم بر عهده رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است... پس از دوران رسالت نیز با رهنمود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ثقلین، این سمت به امامان اهل بیت علیهم السلام سپرده شده است».<sup>۸۹</sup>

۳. «چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عهده‌دار تبیین جزئیات و تفصیل کلیات شریعت و معلم الهی قرآن کریم است... و آن حضرت نیز به موجب حدیث متواتر ثقلین همین سمت‌ها را به جانشینان خود سپرده است: «إني تارك فيكم ثقلين... كتاب الله وعترتي أهل بيتي فانهما لن يفترقا»<sup>۹۰</sup>، تبیین حدود و جزئیات معارف و احکام کلی قرآنی بر عهده معصومین علیهم السلام است و سخنان آنان عموماً قرآنی را تخصیص و مطلقات آن را تقیید می‌کند. بنابراین، استناد به قرآن برای معتقد شدن به «اصول اعتقادی» و عمل کردن به «فروع عملی» بدون رجوع به روایات بی‌ارزش است و در حقیقت، سخن مجموع ثقلین، سخن اسلام است، نه سخن یکی از دو ثقل به تنهایی».<sup>۹۱</sup>

۴. «قرآن کریم، چون کتاب حیات و رسالت ابد است، تنها خطوط کلی را بیان کرده است. جزئیات نیز به وسیله اهل بیت علیهم السلام برای مردم بازگو شده است. خداوند قرآن را به عنوان قانون اساسی تدوین کرد، سپس... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مبین و مفسر آن قرار داد؛ یعنی علوم قرآنی را به پیامبر آموخت و او نیز آن را به اهل بیت و مردم تعلیم داد».<sup>۹۲</sup> از جمع میان قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، می‌توان حکم هر حادثه را به دست آورد».<sup>۹۳</sup>

## فصل پنجم. اشارات قرآن کریم به علوم رایج حوزوی و دانشگاهی

۸۷ آل عمران: ۱۶۴.

۸۸ عبدالله جوادی آملی؛ قرآن در قرآن؛ ص ۲۲۳.

۸۹ عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم، ج ۱، ص ۷۳-۷۴.

۹۰ محمد بن حسن صفار؛ بصائر الدرجات؛ ج ۱ ص ۴۱۳.

۹۱ عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۱، ص ۱۶۰.

۹۲ عبدالله جوادی آملی؛ نسیم اندیشه؛ دفتر اول، ص ۳۲.

۹۳ عبدالله جوادی آملی؛ نسیم اندیشه؛ دفتر اول، ص ۳۳.

چنان‌که در فصل سوم گذشت، سمت و سوی اصلی معارف و آموزه‌های ظاهر قرآن کریم هدایت انسان به فوز و فلاح و سعادت و سیادت دنیوی و اخروی اوست؛ ولی از آنجا که برخی علوم رایج روز، اعم از علوم حوزوی و دانشگاهی در سعادت و سیادت انسان نقش دارند، قرآن کریم اشاراتی (نه ورود تفصیلی) به این علوم هم دارد. برخی تصریحات علامه جوادی به این مدعا چنین اند:

۱. وی بر این باور است که قرآن کریم نه تنها بیانگر عقاید، اخلاق، احکام و حقوق فردی و اجتماعی است، عهده‌دار تبیین علوم و فنون روز حوزوی و دانشگاهی نیز هست؛ برای نمونه، موضوعاتی همچون کیهان‌شناسی، پیدایی باران و احیای زمین و مراحل گوناگون آن را به خوبی بیان کرده است... البته بهره‌وری از قرآن به شرایط و مقدماتی نیاز دارد. همان‌گونه که درباره اموری مانند برائت نقلی و استصحاب، بحث‌های عمیق اصولی انجام شده و در پرتو فهم عقل، فروع فراوانی درباره هر یک از آن‌ها به دست آمده است که هیچ‌یک از آن‌ها [به صراحت] در آیات و روایات [بیانگر برائت و استصحاب] نیست، درباره کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، روان‌شناسی، فیزیک، شیمی و علوم و فنون روز دیگر ده‌ها آیه و روایت داریم که اگر روشمندان و مجتهدانه و دقیق با عقل ارزیابی کردند، هر یک کتاب و جزوه‌ای علمی می‌شود و فروعی به کمک عقل به دست می‌آیند.<sup>۹۴</sup>

۲. وی در نقد سخن کسانی که آیات قرآن را در سه دسته «گفتمان بازرگانی، کاروانی و سلطانی» قرار داده‌اند آن را غیرزیبنده و بسیار دور از راه ژرفکاوی، می‌داند، زیرا دسته‌های فراوان دیگری در سراسر قرآن به چشم می‌خورند؛ مانند دسته آیات اخترشناسی و طبی و پزشکی و اخلاقی و روانشناسی و روانکاوی و صنعت گردشگری و آفرینش انسان و دیگر موجودات زمینی و فضایی و صنعت و دستاوردهای صنایع و احتجاجات کلامی و فلسفی و دسته بزرگ آیات احکام. پس، چگونه می‌توان عمده آیات را در سه دسته مورد پسند و مطبوع خود خلاصه کرد!<sup>۹۵</sup>

۳. علامه جوادی در تفسیر تسنیم دو نمونه از تبیان بودن قرآن را چنین بیان می‌کند: «یک. کیهان‌شناسی: خدای سبحان مرحله به مرحله آفرینش آسمان‌ها و زمین را شرح داده است: الف. حق بودن اصل آفرینش: «خلق السَّموتِ و الارضِ بِالْحَقِّ».<sup>۹۶</sup> ب. بازگشایی مجموعه آسمان‌ها و زمین...، زیرا آسمان‌ها و زمین بسته بودند و خدا آن‌ها را با انفجار باز کرد و به آن‌ها تولدی دیگر داد: «او لم یر الذین کفروا انّ السَّموتِ و الارض کانتا رتقًا ففتقنهُما».<sup>۹۷</sup> ج. پس از باز شدن، آسمان‌ها را هفت طبقه قرار داد: «الذی خلق سبع سَموتٍ طباقًا».<sup>۹۸</sup> پس چنین

۹۴. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۱۸۸ و ۲۱۷-۲۱۸.

۹۵. عبدالله جوادی آملی؛ وحی و نبوت در قرآن؛ ص ۱۲۸-۱۲۹.

۹۶. نحل: ۳. انعام: ۷۳.

۹۷. انبیاء: ۳۰.

۹۸. ملک: ۳.



نیست که آسمان‌ها در عرض هم باشند، بلکه در طول هم‌اند؛ آن‌گاه آسمان نخست را — که نزدیک‌ترین آن‌هاست — به ستاره‌های گوناگون زینت داد: «أَنَا زِينَةُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»<sup>۹۹</sup>، «زِينَةُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمُصْبِحٍ»<sup>۱۰۰</sup>؛ اما آسمان‌های دیگر در دسترس نیستند و نه با چشم مسلح دیده می‌شوند؛ نه با چشم غیر مسلح: «فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ \* وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ»<sup>۱۰۱</sup>. د. زمان باز شدن مجموعه بسته، شش روز است: «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»<sup>۱۰۲</sup>؛ «الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»<sup>۱۰۳</sup>. خدای سبحان چگونگی شکل‌گیری آسمان و زمین را چنین بازگو می‌کند که آفرینش و گستراندن کره زمین در دو روز بود: «خَلَقَ الْاَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ»<sup>۱۰۴</sup>؛ «وَ الْاَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا»<sup>۱۰۵</sup> و آفرینش و پردازش آسمان‌ها نیز در دو روز: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ ... \* فَفَضَّهْنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ»<sup>۱۰۶</sup>. آسمان‌ها به صورت دود و گاز بودند و خدا آن مواد گازی را به صورت طبقات هفت‌گانه، خورشید، ماه، ستارگان و سیاراتی زیبا و شگفت‌انگیز درآورد و در پایان عمر جهان نیز برای بازرسی و ارزیابی عقاید و اعمال انسان‌ها دوباره همه آن‌ها را شبیه حالت نخستین (دود و گاز) می‌کند: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ \* وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ»<sup>۱۰۷</sup>؛ «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ غَيْرِ الْاَرْضِ»<sup>۱۰۸</sup>؛ «السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ»<sup>۱۰۹</sup>.

۹۹. صافات: ۶.

۱۰۰. فصلت: ۱۲.

۱۰۱. حاقه: ۳۸-۳۹.

۱۰۲. اعراف: ۵۴.

۱۰۳. فرقان: ۵۹. مراد از «ایام» تطورات و دوره‌هایی است که هر یک چندین میلیون سال طول می‌کشد؛ نه «یوم» (روز) در برابر شب یا شبانه‌روز یا روزگار، زیرا هنوز از خورشید و ماه و حرکت‌های وضعی و انتقالی زمین خبری نبود، تا روز، شب، ماه و سالی باشد.

۱۰۴. فصلت: ۹.

۱۰۵. نازعات: ۳۰.

۱۰۶. فصلت: ۱۱-۱۲.

۱۰۷. تکویر: ۱-۲.

۱۰۸. ابراهیم: ۴۸.

۱۰۹. زمر: ۶۷.

موجودات میان آسمان‌ها و زمین را نیز در دو روز آفرید، چون چهار روز برای آفرینش زمین و آسمان‌ها بود و باقی مانده برای موجودات میان زمین و آسمان است: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»<sup>۱۱۰</sup>. تأمین روزی‌های مردم نیز در چهار فصل مقدر شده است: «قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ»<sup>۱۱۱</sup>. این مجموعه آیات، گام به گام آسمان‌شناسی، زمین‌شناسی و بسیاری از مسائل فیزیکی و شیمی را بیشتر از مسائل اصولی [دانش اصول فقه] بیان کرده که در هدایت، رشد، تشویق و تحقیق بشر نقش دارند. البته هیچ‌یک از امور یادشده به عنوان مسئله حل شده کیهان‌شناسی نیست.

دو. پیدایش باران: خدای متعالی درباره چگونگی پیدایی باران نیز می‌فرماید ابرهای پراکنده را روانه می‌کند؛ آن‌گاه میان آن‌ها پیوند می‌دهد و آن‌ها را متراکم می‌سازد: «الْم تَرَانَّ اللَّهُ يَزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا»<sup>۱۱۲</sup> سپس بادهایی را می‌فرستد، تا ابرهای عقیم را تلقیح و بارور کنند: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَّاحٍ»<sup>۱۱۳</sup> و وقتی به ریزش از ابرهای باردار نوبت فرارسید، کاری می‌کند که آن‌ها قطره قطره و غربالی بیارند؛ نه اینکه مانند آبشار فروریزند: «فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ»<sup>۱۱۴</sup> و گاهی نیز از کوه‌هایی (ابرهای یخ‌زده) که در آسمان‌اند، تگرگ فرومی‌فرستد: «وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ»<sup>۱۱۵</sup> و با ابرهای بارانزا آب را به سوی زمین خشک و بی‌گیاه حرکت می‌دهد، تا با آن زراعت و درختان را آبیاری کند: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ»<sup>۱۱۶</sup> و برخی را که بخواهد از این باران بهره‌مند می‌گرداند: «فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ»<sup>۱۱۷</sup>.

براین اساس، قرآن حکیم قدم به قدم چگونگی پیدایش و پرورش باران را، از حرکت بادهای و ایجاد آن‌ها گرفته تا پرورش نر و ماده و ازدواج و تلقیح آن‌ها و نزول غربالی و حکیمانه آن‌ها به سرزمین‌های خشک و تشنه، بیان

۱۱۰. شوری: ۲۹.

۱۱۱. فصلت: ۱۰.

۱۱۲. نور: ۴۳.

۱۱۳. حجر: ۲۲.

۱۱۴. نور: ۴۳.

۱۱۵. نور: ۴۳.

۱۱۶. سجده: ۲۷.

۱۱۷. روم: ۴۸.

می‌کند که اگر کسی در هواشناسی، محیط‌شناسی و باران‌شناسی با کمک عقل خدادادی تحقیق کند، کتابی علمی می‌شود.

نمونه‌های دیگری نیز درباره چگونگی آفرینش و پیدایش انسان، آفرینش و فواید کوه‌ها، چگونگی رشد و سرسبزی و ثمر دادن گیاهان و درختان، چگونگی تولید شیر، ساختن عسل و... در این کتاب الهی است که در زمینه‌های علوم روز راهگشایند.<sup>۱۱۸</sup>

۴. مفسر تسنیم در تصریحی دیگر می‌گوید: «قرآن، بسیاری از فنون و دانش‌ها را به روشنی بیان می‌کند و بسیاری دیگر را که جامعه و عرصه عصر نزول، آماده ادراک آن‌ها نبود با رمز و کنایه و اشاره خاطر نشان کرده است... قرآن تا روز قیامت، جوابگوی جامعه‌های بشری است و می‌تواند در همه فنون دانش و اخلاق و اعتقادات و اقتصاد و جامعه‌شناسی و... اسوه باشد؛ زیرا توجه به نیازهای معرفتی و حاجت‌های جهان‌بینی، موجب بی‌نیازی از عنایت به حاجت‌های ضروری و لازم روز، مانند سیاست و اقتصاد و جامعه‌شناسی نیست».<sup>۱۱۹</sup>

۵. مفسر درباره اشاره قرآن به «قانون جاذبه عمومی» نیز بر این باور است که قرآن در چند مورد به آن اشاره کرده است:

أ. در آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يَدَّبَّرَ الْأَمْرَ يَفْصَلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلَقَاءُ رَبِّكُمْ تَوْقِنُونَ»<sup>۱۲۰</sup>؛ خداوند، همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید برافراشت؛ آن‌گاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام کرد که هر یک برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند. خداوند در کار آفرینش تدبیر، و آیات خود را به روشنی بیان می‌کند؛ امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید».

ب. در آیه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ...»<sup>۱۲۱</sup>؛ آسمان‌ها را بی‌هیچ ستونی که آن‌ها را ببینید آفرید و در زمین کوه‌های استوار افکند تا مبادا زمین شما را بجنباند و در آن از هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرد».<sup>۱۲۲</sup>

## فصل ششم. رسالت عقل و تجربه بشری در کشف تفصیلی حقایق جهان هستی

۱۱۸. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۸-۲۲۲.

۱۱۹. عبدالله جوادی آملی؛ وحی و نبوت در قرآن؛ ص ۳۴۲-۳۴۳.

۱۲۰. رعد: ۲.

۱۲۱. لقمان: ۱۰.

۱۲۲. عبدالله جوادی آملی؛ وحی و نبوت در قرآن؛ ج ۳، ص ۳۴۴.

از منظر علامه جوادی، هدف از تبیین آیات جهان‌شناسی، تشویق به کشف جزئیات علوم است و هرگاه کسی روشمندان و مجتهدانه و با ابزار مناسب، کتاب خدا و سنت معصومان علیهم‌السلام را فهمید، فهم او حجت شرعی است. به برخی سخنان ایشان در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. «مجموعه ای از آیات، به کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و تبیین بسیاری از مسائل فیزیک و شیمی پرداخته و حتی آن‌ها را بیشتر از مسائل اصولی (دانش اصول فقه رایج در حوزه های علمی) بیان کرده و همین اشارات قرآنی به علوم یاد شده، در هدایت، رشد، تشویق و تحقیق بشر در این دانش‌ها نقش بسزایی داشته و دارد».<sup>۱۲۳</sup>

۲. علامه جوادی پس از بیان برخی نمونه‌ها از اشارات قرآن به علوم تجربی و طبیعی، مانند کیهان‌شناسی و پیدایی باران می‌گوید: «مطلب مهم درخور یادآوری این است که نمونه‌های یادشده از قرآن کریم و دیگر مطالب قرآنی مشابه آن‌ها، از سنخ القای اصول‌اند»<sup>۱۲۴</sup> که جوامع علمی، فروع فراوانی را از آن‌ها استخراج و نتایج فراوانی را از آن‌ها استنباط می‌کنند. کتابی که به عنوان جوامع الکلم نازل شده، نباید از آن فرع‌بندی و مسئله‌سازی روزانه توقع داشت».<sup>۱۲۵</sup>

۳. مفسر تسنیم درباره آیه «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱۲۶</sup> که همگان را به بررسی آیات تکوینی و تشریحی، کشف حقایق وجود، اسرار طبیعت و حکمت احکام شرعی تشویق می‌کند، می‌گوید: «الآیات» جمع دارای «الف و لام» است و مسائل اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی، حلال، حرام و... یعنی همه آیات تکوین و تشریح را شامل می‌شود؛ نه خصوص مسائل فقهی و عبادی را؛ یعنی ما آیات تکوینی و تشریحی را برایتان روشن کردیم تا درباره آن‌ها بیندیشید و به راز و رمزشان پی ببرید».<sup>۱۲۷</sup>

۴. در تفسیر آیه «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ \* فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» نیز می‌گوید: «خدا بدین گونه آیات و احکام الهی را برایتان تبیین می‌کند تا درباره دنیا و آخرت و امور آن فکر و ریشه‌یابی کنید، چون امور یاد شده تعبدی محض نیست که با تفکر چیزی از آن معلوم نشود. تفکر درباره دنیا و آخرت، تنها دریافتن فنای دنیا و بقای آخرت و از زهد سر درآوردن نیست، که این رهاورد فقط بخشی از فکر درباره دنیا و آخرت است، بلکه درباره حقیقت دنیا و آخرت و شئون و علوم دنیوی از دامداری و کشاورزی تا صنعت و تکنولوژی و نیز درباره شئون و علوم اخروی از برزخ‌شناسی تا بهشت و دوزخ‌شناسی و درجات آن باید اندیشید، تا امور مؤثر و سودمند برای زندگی

۱۲۳. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۲۱.

۱۲۴. عن أبي عبدالله (ع): «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نَلْقَى إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تَفْرَعُوا». (محمد بن احمد ابن ادر؛ السرائر؛ ج ۳، ص ۵۷۵) عن الرضا عليه السلام: «علينا إلقاء الأصول وعليكم التفرع». (محمد بن حسن شيخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۶۲)

۱۲۵. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۲۳.

۱۲۶. بقره: ۲۱۹.

۱۲۷. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۱۱، ص ۶۹.

سالم انسان به دست آید؛ یعنی همگان باید هم درباره دنیا و حلال و حرام و سایر مسائل آن و هم درباره آخرت و امور آن در کنار هم بیندیشند».<sup>۱۲۸</sup>

## فصل هفتم. رسالت قرآن کریم در معرفت

علامه جوادی آملی در سلسله مباحثی با عنوان «رسالت قرآن» به شاخه‌های گوناگون رسالت قرآن می‌پردازد؛ مانند رسالت قرآن در هدایت، معاشرت، معیشت و سیاست. در این مقاله به تناسب بحث درباره مرجعیت علمی قرآن، فقط دیدگاه ایشان را در باره «رسالت قرآن در معرفت» می‌آوریم:

از نظر این مفسر، قرآن که خود، علم ممثّل است، بیش از هر چیز جوامع بشری را به دانش فرامی‌خواند؛ چون با سرمایه بینش علمی، فروغ هدایت آن روشن‌تر می‌شود؛ زیرا گرچه رهنمود قرآن در تبشیر و انذار عالم است: «...لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»<sup>۱۲۹</sup>، لیکن سودمندان از آن کسانی‌اند که از زبانه دوزخ هراسناک‌اند: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا»<sup>۱۳۰</sup> و هراسناکان از شعله جهنم، زیاد نیستند و مهم‌ترین آنان عارفان به خدای سبحان و عالمان به احکام و حکم اویند: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ».<sup>۱۳۱</sup>

رسالت قرآن در دعوت به معرفت نیز، همه ارکان معرفت را دربرمی‌گیرد؛ یعنی هم مبدأ را که خدای سبحان و اسماء حسناى او و مظاهر گوناگون آن‌هاست به عنوان «مبدأشناسی» عنوان می‌کند و هم «معاد» را که همان مبدأ است، با اسماء حسناى دیگر ارائه می‌دهد و هم رابط بین آغاز و انجام را که مظاهر اسماء حسناى دیگر خدای سبحان‌اند هدایت می‌کند. ضمناً جهان‌شناسی و انسان‌شناسی را که هر کدام به نوبه خود، مظهر نامی از نام‌های مبارک الهی‌اند، می‌آموزد و نحوه پیدایش و پرورش بسیاری از موجودهای ذی‌روح یا غیر ذی‌روح را به منظور تشریح آیات آفاقی و انفسی گزارش می‌دهد.

در تحلیل مسائل شناخت‌شناسی، گذشته از آنکه مباحث را به صورت اشکال منطقی دقیق طرح می‌کند و شرایط منطقی صورتی را رعایت می‌کند، به قسمت مهم منطق - که صاحب نظران روش‌شناسی آن را جزء فریضه مباحث منطق می‌شمارند و بخش‌های دیگر را جزء نافله مسائل منطق محسوب می‌دارند - کاملاً عنایت می‌کند و از این رهگذر، نه تنها حسبان و زعم و پندار واهی را کافی نمی‌داند، بلکه گمان را که بسیاری از اندیشمندان به آن مبتلا هستند، ناقص می‌شمارد و مظنه را در تحقیق مسائل جهان‌بینی سودمند نمی‌داند.

آیات فراوانی در این زمینه نازل شده است که ظن را چون خرص و تخمین دانسته و پیروی از آن‌ها را ضلالت می‌داند و گمان پرستی را همراه با هواپرستی محکوم می‌شمارد؛ مانند آیات ذیل که نمونه‌ای از ذم ظن و سلب

۱۲۸. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۱۱، ص ۷۰-۷۱.

۱۲۹. فرقان: ۱.

۱۳۰. نازعات: ۴۵.

۱۳۱. فاطر: ۲۸.

حجیت آن در مسائل اعتقادی و نفی اعتماد بر آن در مباحث جهان‌بینی است: «...إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»<sup>۱۳۲</sup>، «و ما يتبع أكثرهم إلا ظناً إن الظن لا يُغني من الحق شيئاً»<sup>۱۳۳</sup>.

چون از صورت‌های فاقد شرایط انتاج، هرگز جزم حاصل نمی‌شود و از ماده‌های ظنی هرگز یقین پدید نمی‌آید، هدایت قرآن کریم و رسالت آن در تبیین معرفت‌شناسی این است که اساس را بر صورت‌های واجد شرایط انتاج جزمی و ماده‌های صالح جهت افاده یقین قرار می‌دهد و بهره‌مندان از خود را متقیانی می‌داند که بر محور حسن نگشته و در جدارهای تنگ طبیعت محبوس نشدند و به ماوراء آن که قلمرو غیب و عقل است ایمان دارند: «يؤمنون بالغيب»<sup>۱۳۴</sup> و درباره قیامت به مظنه اکتفا نکرده، بلکه به مرز یقین رسیده‌اند: «و بالآخرة هم يوقنون»<sup>۱۳۵</sup>.

قرآن کریم همان‌گونه که فکر ناب را زمینه حصول یقین «صاحب نظران» می‌داند، ذکر خالص و شکر بی‌شائبه را وسیله حصول یقین «صاحب بصران» می‌شمارد، زیرا بعد از جریان حضرت خلیل علیه‌السلام که نمونه کامل صاحب بصران است و اینکه آن حضرت شاهد ملکوت آسمان‌ها و زمین بوده و از این رهگذر به مقام یقین شهودی و جزم بصری رسیده است: «و كذلك نُرى إبراهيم ملكوت السموات والأرض و ليكون من الموقنين»<sup>۱۳۶</sup>، همه صاحب نظران را به نگاه در ملکوت آسمان‌ها فرامی‌خواند تا از این سکوی پرش به مقام یقین مفهومی و جزم نظری برسند؛ گرچه نیل به مقام جزم بصری به نوبه خود ممکن خواهد بود: «أولم ينظروا في ملكوت السموات والأرض»<sup>۱۳۷</sup> و نیز همه سالکان کوی حق را به ذکر و پرستش خالص دعوت می‌نماید تا از راه ذکر و شکر، چون طریق فکر و شعور، به مقام والای یقین نایل آیند: «و اعبد ربك حتى يأتيك اليقين»<sup>۱۳۸</sup>.

به صاحبان علم‌الیقین که از رهگذر کوی فکر و شعور یا سحرخیزی ذکر و شکر به مقام یقین رسیده‌اند، اعلام می‌دارد که هنوز در بین راه‌اند و مقصدهای والا همچنان به انتظار آن‌هاست که از علم‌الیقین به عین‌الیقین بار یابند: «كلالو تعلمون علم اليقين \* لترون الجحيم \* ثم لترونها عين اليقين»<sup>۱۳۹</sup>.

## فصل هشتم. رابطه مرجعیت علمی قرآن با نظریه اسلامی بودن علوم

علامه جوادی دیدگاه خاص خود درباره اسلامی بودن علوم را این‌گونه بیان می‌کند که از یک‌سو با جهان‌بینی توحیدی، «خلقت» به جای «طبیعت» می‌نشیند و به تعبیر قرآن کریم، آسمان، زمین، آب، فضا، درختان، گیاهان،

۱۳۲. انعام: ۱۱۶.

۱۳۳. یونس: ۳۶.

۱۳۴. بقره: ۳.

۱۳۵. بقره: ۴.

۱۳۶. انعام: ۷۵.

۱۳۷. اعراف: ۱۸۵.

۱۳۸. حجر: ۹۹.

۱۳۹. تکوین: ۵-۷. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ سرچشمه اندیشه؛ ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۵.

جانوران و مانند آن‌ها جملگی «رحمت»، «نعمت» و «برکت» الهی به‌شمار می‌آیند، چون خدا جهان و ساختار داخلی آن را هدفمند آفریده است: «الذی خلق فسوی \* و الذی قدر فهدی». <sup>۱۴۰</sup> از سوی دیگر، خدای مَنان، علم را به انسان بخشید: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» <sup>۱۴۱</sup> و نفس وی را مستوی و مُلهم به فجور و تقوا ساخت و سرمایه فطرت را در انسان نهادینه کرد: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» <sup>۱۴۲</sup>؛ «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» <sup>۱۴۳</sup> و رهبران الهی را فرستاد تا فطرت نهادینه‌شده را شکوفا و عقل بالقوه را بالفعل گردانند: «وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». <sup>۱۴۴</sup> براین اساس، هم اضلاع سه‌گانه معلوم (جهان، انسان و پیوند آن‌ها) صبغه الهی و دینی دارند؛ هم اضلاع سه‌گانه عالم (علم، عقل و فطرت درونی، و شکوفایی آن با رهبران الهی)؛ در نتیجه، هرگز علم غیر الهی نخواهیم داشت.

تفاوت غالبی حوزه و دانشگاه این است که حوزه درباره «قول خدا» بحث می‌کند و دانشگاه غالباً درباره «فعل خدا»، و بر پایه بیان یادشده، علم هر دو را می‌توان به خدا اسناد داد؛ در صورتی که با علم یا علمی به نتیجه رسیده باشند. چگونه است که اگر کسی سفینه فضایی یا دریایی ساخت و برایش دفترچه راهنما نوشت و مهندسان کارشناس تربیت کرد، تا راه استفاده بهینه و صحیح را به مصرف‌کننده بیاموزند و هنگام آسیب‌دیدگی قطعات، آن‌ها را تعمیر یا تعویض کنند، آن علم و اختراع به خود او نسبت می‌گیرد؛ نه به دیگری؛ ولی خدایی که عالم و آدم و پیوند میان آن دو را آفریده و پیامبران الهی (کارشناسان و مهندسان انسان‌سازی) را با علم لدنی پرورانده و برای رشد، تعلیم و راهنمایی بشر فرستاده و به همراه آنان دفترچه راهنمای زندگی (کتاب آسمانی) نازل کرده، تا با فرستادن رسولان و انزال کتاب‌ها، انسان را به سر منزل مقصود و کمال سعادت برساند، بشر، غاصبانه علوم و فنون را به خودش نسبت می‌دهد و علم را سکولار معرفی می‌کند! برخی می‌پندارند فیزیک اسلامی باید مبانی دیگری داشته باشد و از فیزیک غیر اسلامی ممتاز باشد، همانند فرش دستباف که از فرش ماشینی ممتاز شناخته می‌شود.

مفسر تسنیم درباره نتایج و ثمرات این نظریه نیز معتقد است که برپایه این نظریه، تعارض علم و دین رخت برمی‌بندد، زیرا وقتی عقل و دانش را موهبت الهی دانستیم، علوم و فنون عقلی نیز همانند متون نقلی، حجت الهی‌اند و از کلام و فعل خدا پرده برمی‌دارند، پس کسی حق ندارد بگوید «عقل و داده‌های آن بشری‌اند» <sup>۱۴۵</sup> و نقل

۱۴۰. اعلی: ۲-۳.

۱۴۱. علق: ۵.

۱۴۲. شمس: ۷-۸.

۱۴۳. روم: ۳۰.

۱۴۴. نهج البلاغه؛ خطبه ۱.

۱۴۵. علامه جوادی در جایی دیگر در این باره می‌گوید: «کسی حق ندارد به عقل خداداد رنگ بشری بزند و آن را به نفع خویش مصادره کند و بگوید «آنچه با عقل می‌فهمم بشری است و آنچه با نقل فهمیدم الهی است» چون نتیجه این‌گونه قارونی فکر کردن، نادیده گرفتن نعمت‌های

و یافته‌های آن الهی» تا غائله بی‌فرجام تعارض علم و دین را پی‌ریزد و فتنه انگیزد. وقتی عقل و نقل حجت الهی شدند، همان‌گونه که گاهی دو دلیل نقلی یا دو دلیل عقلی با همدیگر تعارض دارند، ممکن است گاهی دلیل عقلی با نقلی در تعارض باشد و راه حل آن را اصول فقه عهده‌دار است.

به گفته علامه جوادی، تجربی بودن روش تحقیق در برخی علوم، با آنکه تجربه یقین آور و از سنخ برهان عقلی نیست، این‌گونه علوم را از شمار علوم دینی و حجت الهی بودن بیرون نمی‌برد.<sup>۱۴۶</sup>

وی در جای دیگر نظریه علم دینی خود را چنین بیان می‌کند که تمایز علوم به تمایز موضوعات آنهاست؛ نه به ادله آنها؛ و بر فرض که معیار اسلامی بودن علوم، آیه یا روایت داشتن آن علم باشد، درباره علمی چون کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک و شیمی، آیات و روایات فراوانی داریم که بررسی نشده‌اند.... بر پایه معیار بودن موضوع، همان‌گونه که تفسیر علم اسلامی است، چون از «کلام الهی» پرده برمی‌دارد، زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی نیز اسلامی‌اند، زیرا از «فعل الهی» پرده برمی‌دارند. البته هر علم روشمندی، مبادی، مبانی و مسائل خاص خود را دارد.<sup>۱۴۷</sup>

با توجه به تبیینی که از نظریه «علم دینی» مفسر آملی گذشت، به نظر نگارنده، مبحث «مرجعیت علمی قرآن» با نظریه علامه جوادی درباره «اسلامی بودن علوم» پیوند وثیقی ندارد و پاسخی به این پرسش که «قرآن مرجع کدام‌یک از علوم است» نمی‌دهد.

## نتیجه‌گیری

با عنایت به دو چکیده‌ای که در پی می‌آیند، این نتیجه به خوبی روشن می‌شود:  
چکیده ۱. عصاره بحث «مرجعیت علمی قرآن» این است که از یک سو قرآن کریم گرچه به لحاظ باطن، دربردارنده همه علوم حقیقی است، به لحاظ ظاهر دو رسالت دارد: نخست رسالت ورود تفصیلی به بیان همه آموزه‌هایی که در رسیدن انسان به سرمنزل مقصود و کمال سعادت نقش دارند. دوم رسالت ورود اجمالی و در حد اشاره به برخی دانش‌های حوزوی و دانشگاهی. از سوی دیگر، دانشمندان قرآن‌شناس و متخصصان

---

الهی و سکولار دانستن برخی از علوم است؛ غافل از آنکه علم و استعداد درونی را خدا به انسان داده و معلم را نیز او فرستاده و از سوی دیگر، جهان و انسان و ربط میان آن دو را نیز خدا آفریده است». (عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۱۵-۲۱۶) (نظریه مکتب تفکیک را در کتاب منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۱۸۱ - ۲۳۰ بنگرید)؛ نیز می‌گوید: «۱. عقل از ادله دین و در برابر نقل است، نه در قبال شرع. ۲. مبادی عقلی که می‌توانند به مثابه شرح متن نقلی باشند، اگر به کمک آن آیند و باعث شکوفایی متن بسته شوند، از قلمرو ره آورد دین محسوب می‌شوند» (عبدالله جوادی آملی؛ وحی و نبوت در قرآن؛ ج ۳، ص ۱۲۸).

۱۴۶. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۴۱-۲۴۴.

۱۴۷. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۴۷، ص ۲۴۶.



رشته‌های علمی نتوانسته‌اند از همه ظرفیت‌های علمی قرآن در همه شاخه‌های علوم استفاده کنند. پس آنان رسالت دارند از همه ظرفیت یادشده بهره گیرند و آن‌ها را به فعلیت برسانند.

چکیده ۲. عصاره نظریه «اسلامی بودن علوم» نیز این است که همه علوم که موضوع آن‌ها «قول خدا» یا «فعل خدا» است، اسلامی‌اند؛ در حوزه‌های علوم دینی تدریس شوند یا در دانشگاه‌ها. پس همان گونه که دانش تفسیر قرآن از این رو که از «کلام خدا» پرده برمی‌دارد علم اسلامی است، دانش‌های زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی، گیاه‌شناسی و رشته‌های گوناگون پزشکی نیز از آن رو که از «فعل خدا» پرده برمی‌دارند و درباره «مخلوق‌های خدا» بحث می‌کنند، اسلامی‌اند.

نتیجه: روشن است که این دو مبحث پیوند وثیقی با یکدیگر ندارند و از این حقیقت که «همه علوم که فعل خدا را بررسی می‌کنند اسلامی و دینی‌اند»، بر نمی‌آید که این علوم از قرآن نیز استفاده می‌شوند. آری، تنها ربط میان این دو مبحث این است که «علم اسلامی» با تعریف یادشده، منابع گوناگون عقلی و نقلی دارد و یکی از منابع نقلی آن می‌تواند ظاهر قرآن کریم باشد. این نکته اصلاً ثابت نمی‌کند کدام یک از گزاره‌های علمی از ظاهر قرآن برمی‌آیند و کدام یک بر نمی‌آیند.

برای مثال، این گزاره دانش تجربی که «از ترکیب دو واحد هیدروژن و یک واحد اکسیژن آب پدید می‌آید»<sup>۱۴۸</sup>، براساس نظریه علم دینی علامه جوادی، از گزاره‌های علم دینی و اسلامی نیز به شمار می‌آید، چون درباره صنوع و مخلوقی از مخلوق‌های خداست. حال، آیا اطلاع اجمالی از منبع بودن قرآن برای برخی گزاره‌های علم تجربی ثابت می‌کند که گزاره یادشده نیز از قرآن استفاده می‌شود؟ روشن است که پاسخ منفی است، چون برای اثبات قرآنی بودن این گزاره و استفاده آن از ظاهر قرآن، پژوهشگر قرآنی باید آیات قرآن کریم را بررسی کند تا دریابد از سباق یا سیاق آیات برمی‌آید یا نه؟ برای استفاده آن از باطن قرآن نیز باید از روایات معصومان علیهم السلام که از باطن قرآن گزارش می‌دهند بهره گیرد.

گفتنی است که خود علامه جوادی نیز مبحث مرجعیت علمی قرآن را به نظریه اسلامی بودن علوم ربط نداده و در تبیین نتایج و ثمرات نظریه یادشده، اثبات مرجعیت علمی قرآن را از نتایج آن نشمرده است.

## منابع

۱. ابن ابی جمهور أحسانی؛ محمد بن علی بن ابراهیم؛ عوالی اللئالی؛ قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد؛ السرائر؛ تحقیق: حسن بن احمد الموسوی و ابوالحسن ابن مسیح، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.

۱۴۸. عدنان الشریف؛ من علوم الأرض القرآنیة؛ ص ۱۰۳.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴. برقی، احمد بن خالد؛ المحاسن؛ به کوشش جلال الدین محدث؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۵. الثقفی الکوفی؛ ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال؛ الغارات؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، به کوشش عبد الزهراء حسینی، ۱۴۱۰ق.
۶. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ سرچشمه اندیشه، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۲ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله؛ سروش هدایت؛ مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ هدایت در قرآن؛ مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۳ش.
۱۰. جوادی آملی، عبد الله؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن؛ تحقیق: مصطفی خلیلی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۷ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ حکمت عبادات؛ تحقیق: حسین شفیعی، اسراء، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ قرآن در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله؛ وحی و نبوت در قرآن؛ تحقیق: علی زمانی قمشه‌ای، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۵. حر عاملی؛ محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۶. شیخ مفید؛ محمد بن محمد؛ الامالی؛ به کوشش غفاری و استاد ولی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۷. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات؛ تصحیح: محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ به کوشش: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۰. عدنان الشریف؛ من علوم الأرض القرآنیه؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۲۰۰۰م.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر؛ تحقیق: سیدهاشم رسولی محللاتی؛ تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ به کوشش سیدطیب جزائری؛ قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار النوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

